

مدل ساختاری سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

The structural model of attachment styles and interpersonal problems of divorcing Couples with the mediating role of mentalization

Somayeh Pourshams

Master's student in clinical psychology, Department of Clinical Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Leila Torabian *

Assistant Professor, Department of Psychology, Danesh Alborz University, Qazvin, Iran.

L.torabian@yahoo.com

سمیه پور شمس

دانشجویی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

لیلا ترابیان (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه دانش البرز، قزوین، ایران.

Abstract

This research was conducted to investigate the mediating role of mentalization in the relationship between attachment styles and interpersonal problems of divorcing couples. The current study was a descriptive-correlation type of structural equation modeling. The statistical population of the research was all the people undergoing divorce in Kerman city counseling centers in 2022 and 2023. Using the available sampling method, a sample of 270 people was selected and participated in the study. Research tools included: Interpersonal problems questionnaire (IPQ, Barkham & et al, 1996), revised adult attachment scale (RAAS, Collins, 1996), and mentalization questionnaire (MQ, Fonagy & et al, 1998). The data were analyzed using the structural equation analysis method. The structural equation analysis results indicated the model's appropriate fit. The findings showed that avoidant and anxious attachment styles were able to directly predict interpersonal problems ($p<0.001$). Also, attachment styles could indirectly predict couples' interpersonal problems through mentalization ($p<0.001$). These results show that attachment styles, considering the important role of mentalization, can explain couples' interpersonal problems, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in programs to reduce couples' interpersonal problems.

Keywords: Attachment Styles, Mentalization, Interpersonal Problems.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌بایی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد در حال طلاق مراکز مشاوره شهر کرمان در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. ابراهیم‌آیین این پژوهش شامل پرسشنامه مشکلات بین فردی (IPQ)، بارخام و همکاران، (۱۹۹۶)، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (RAAS)، کولینز، (۱۹۹۶) و پرسشنامه ذهنی‌سازی (MQ)، فوناگی و همکاران، (۱۹۹۸) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی مشکلات بین فردی بودند ($p<0.001$). همچنین سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی‌سازی توانستند مشکلات بین فردی زوجین را پیش‌بینی کنند ($p<0.001$). این نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش مهم ذهنی‌سازی می‌توانند تبیین کننده مشکلات بین فردی زوجین باشند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش مشکلات بین فردی زوجین ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، ذهنی‌سازی، مشکلات بین فردی.

مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین ساختار اجتماعی به شمار می‌آید و نقش حیاتی در جامعه ایفا می‌کند (پروایی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از چالش‌های جدی که بر سلامت خانواده تأثیر می‌گذارد، پدیده طلاق است. اصطلاح طلاق شامل هر نوع طلاق عاطفی و قانونی می‌شود (وانبرگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). براساس اطلاعات سازمان ثبت احوال، در سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۷۱۲۴۶ طلاق ثبت شده است. همچنین، آمارها نشان می‌دهند که از هر هزار ازدواج، تقریباً دویست مورد آن به جدایی می‌انجامد و ایران در مقام چهارم جهانی از نظر نسبت طلاق به ازدواج قرار دارد (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹). طلاق می‌تواند به عنوان از هم پاشیدگی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، یعنی خانواده، به شمار آید و تحت نظرارت سازمان‌های اجتماعی به عنوان یک پرسوه رسمی اتفاق می‌افتد (ولچیک^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). این موضوع دارای جوانب گوناگونی است؛ اول اینکه جنبه‌ای روان‌شناسخی دارد و نه تنها بر سلامت روانی دو فرد بلکه بر فرزندان و نزدیکان آن‌ها نیز تأثیرگذار است. دوم اینکه این مسئله اقتصادی است، زیرا به تضعیف خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد و همچنین جنبه اجتماعی دارد؛ بدین معنا که عوامل و شرایط اجتماعی موجود و ساختار کلی جامعه می‌توانند به فروپاشی خانواده‌ها منجر شوند (پلون الیکسپورو^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل متعددی از جمله مشکلات بین فردی^۴ زوجین با طلاق مرتبط هستند. مشکلات بین فردی به مشکلاتی اطلاق می‌شود که افراد در روابط خود با فردی دیگر یا گروهی از افراد دارند و باعث رنج قابل توجهی در آن‌ها می‌شوند (کاپلرگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). مشکلات بین فردی زوجین در کنار مشکلات فردی نقش مهمی را در گرایش به طلاق ایفا می‌کنند و این مشکلات بین فردی ممکن است ناشی از مشکلات فردی و تعارضات درون روانی آن‌ها باشد (فارل و مارکمن^۶، ۲۰۲۱). مطالعات نشان داده است هرچه در حیطه روابط بین فردی مشکلات بیشتری وجود داشته باشد، رضایت از زندگی پایین‌تری توسط افراد تجربه خواهد شد (جانوفسکی^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که عوامل مختلفی در ایجاد و حتی تداوم مشکلات بین فردی نقش دارند و یکی از این عوامل سبک‌های دلبستگی^۸ است (سولیوان^۹ و همکاران، ۲۰۲۰). سبک‌های دلبستگی به شیوه‌هایی اشاره دارند که افراد در ایجاد و حفظ روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران عمل می‌کنند و عموماً در دوران کودکی شکل می‌گیرند. این سبک‌ها شامل دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتماعی و دلبستگی نایمن اضطرابی هستند (سان و میلر^{۱۰}، ۲۰۲۳). افراد با سبک دلبستگی ایمن به راحتی می‌توانند به دیگران نزدیک شوند و روابط پایدار و اعتمادسازی داشته باشند، در حالی که افراد با سبک‌های نایمن ممکن است در ابراز احساسات دچار مشکل باشند یا از نزدیکی ترس داشته باشند (سکروبنینسکا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۴). این دلبستگی‌ها می‌توانند نقش مهمی در مشکلات بین فردی زوجین ایفا کنند؛ به خصوص در ارتباطات، درک متقابل و حل تعارض‌ها (کوئلن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعات نشان داده‌اند زوجینی که یکی یا هر دو طرف آن‌ها دارای دلبستگی نایمن هستند، ممکن است با مشکلاتی مانند عدم ارتباط مؤثر یا ترس از نزدیکی مواجه شوند که این موارد می‌تواند به تنش‌های مستمر و در نهایت طلاق منجر شود (گوکداج^{۱۳}، ۲۰۲۱).

اگر چه به نظر می‌رسد سبک‌های دلبستگی، به میزان قابل توجهی در مشکلات بین فردی زوجین نقش دارند، اما مسیرهای دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند نقش مهمی را در مشکلات بین فردی زوجین ایفا کنند و به نوعی نقش واسطه داشته باشند. ذهنی‌سازی^{۱۴} یکی از مسیرهایی است که به نظر می‌رسد نقش مهمی را در مشکلات بین فردی زوجین ایفا می‌کند (لو^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۲). ذهنی‌سازی به توانایی درک و تفسیر افکار، احساسات و نیت‌های خود و دیگران اشاره دارد (لودمن^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۱). این فرآیند به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای خود و دیگران را بهتر بفهمند و از طریق تحلیل عاطفی، اجتماعی و شناختی، به پیش‌بینی واکنش‌ها و تعاملات میان فردی بپردازند (بتمن^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۳). ذهنی‌سازی عموماً در چهارچوب روابط شخصی به کار می‌رود و می‌تواند تأثیر بسزایی بر کیفیت روابط، به ویژه در روابط زناشویی و خانوادگی

¹ Wanberg² Wolchik³ Pelón-Elexpuru⁴ interpersonal problems⁵ Koppalberg⁶ Farrell & Markman⁷ Janovsky⁸ attachment styles⁹ Sullivan¹⁰ Sun & Miller¹¹ Skrobinska¹² Koelen¹³ Gökdağ¹⁴ mentalization¹⁵ Law¹⁶ Lüdemann¹⁷ Bateman

داشته باشد (تنزیلی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). افرادی که دارای مهارت‌های ذهنی‌سازی قوی هستند، معمولاً توانایی بیشتری در حل تعارض، ایجاد ارتباط اثربخش و مدیریت احساسات دارند. ناتوانی در ذهنی‌سازی می‌تواند منجر به سوءتفاهم‌ها، عدم همدلی و مشکلات ارتباطی شود که این امر می‌تواند منجر به بروز تنفس و بحران در روابط شود (وانگر اسکاصل^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). از دیدگاه ذهنی‌سازی، مشکلات بین فردی را می‌توان به عنوان شکست‌های ارتباطی درک کرد (فوناگی^۳ و دیگران، ۲۰۱۷). اگر ذهنی‌سازی توانایی ایجاد فرضیه‌هایی در مورد حالات ذهنی فرد دیگر را تقویت کند، آنگاه ذهنی‌سازی می‌تواند به عنوان یک حائل یا سپری عمل کند، به این معنا که وقتی کسی به شیوه‌ای پیش‌بینی‌نشده رفتار می‌کند، از نتیجه‌گیری‌های تکانشی در مورد حالات ذهنی دیگران جلوگیری می‌کند. این امر بهویژه با فرضیاتی مرتبط است که دیگران عمداً آسیب‌رسان هستند (فوناگی و لویتن^۴، ۲۰۱۸). برای افرادی که اختلالات دلبستگی را تجربه کرده‌اند، ممکن است تمایل بیشتری به تفسیرهای منفی از حالات روانی افراد دیگر وجود داشته باشد (فوناگی و کمپل^۵، ۲۰۱۶). درواقع، موقعیت‌های بین فردی مستلزم انعطاف‌پذیری افراد در تعاملات و فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی است. با توجه به اینکه چگونه افراد طیف وسیعی از حالات ذهنی پیچیده و ظرفی را بیان می‌کنند، مشکلات در ذهنی‌سازی ممکن است هماهنگ افراد با دیگران، اصلاح رفتار و مشارکت در تعاملات اجتماعی مؤثر را دشوار کند (سیمونسن^۶ و همکاران، ۲۰۲۲).

همانطور که بیان شد متغیرهای سبک‌های دلبستگی و ذهنی‌سازی با اثرات مختلفی که بر روی فرد دارند، می‌توانند مشکلات بین فردی در افراد را تسهیل کنند و یا مانع آن بشوند. با توجه به افزایش روزافزون آمار طلاق و تاثیرات منفی آن بر سلامت خانواده و جامعه، این پدیده می‌تواند پیامدهای کوتاه‌مدت برای گروهی و پیامدهای بلندمدت اجتماعی، روانی، جسمی و اقتصادی برای گروه دیگر به همراه داشته باشد. این تغییرات می‌تواند منجر به کاهش جایگاه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، افزایش فردگرایی و تغییر در ماهیت روابط صمیمی شود. از این‌رو، تحلیل مدل‌های ارتباطی بین متغیرهای پژوهش حاضر می‌تواند به شناسایی روش‌ها و استراتژی‌های علمی و عملی که به کاهش مشکلات بین فردی زوجین کمک کند، منجر شود؛ بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش میانجی ذهنی‌سازی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌بایی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد در حال طلاق در مراکز مشاوره شهر کرمان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که به روش در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کلاین^۷ (۲۰۲۳) استفاده شد. بر اساس نظر کلاین حداقل حجم نمونه لازم برای مدل‌های ساختاری ۲۰۰ نفر است. اما با توجه به افت احتمالی شرکت کنندگان و ناقص بودن برخی پرسشنامه‌ها حجم نمونه بر اساس عامل‌ها بیشتر (۲۰ نفر) در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن حداقل مدرک دیپلم، متقارضی طلاق بودن، عدم مراجعته به روان‌شناس و روان‌پژوهش در یک سال گذشته و دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سوال‌ها بود. شرکت کنندگان به صورت آنلاین از طریق لینک دعوت پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌های این پژوهش در برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و ایتا، به پرسشنامه‌های موجود در پرس‌لین پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محترمانه بود. همچنین در صورت تمایل از نتایج پژوهش، پس از اتمام پژوهش نتایج در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای AMOS و SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه مشکلات بین فردی^۸ (IPQ): این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش‌دهی است که گویه‌های آن در ارتباط با مشکلات است که افراد به طور معمول در رابطه بین فردی تجربه می‌کنند. این پرسشنامه شامل ۳۲ سوال است که توسط بارخام و همکاران (۱۹۹۶) طراحی شده است و در بررسی ایرانی به ۲۹ سوال تقلیل یافته است و بر مبنای طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۴) است. بارخام

¹ Tanzilli

² Wagner-Skacel

³ Fonagy

⁴ Luyten

⁵ Campbell

⁶ Adamsons

⁷ Kline

⁸ Interpersonal problems questionnaire

و همکاران (۱۹۹۶) پایا بیان این ابزار به روش آلفای کرونباخ را 0.86 گزارش کردند و نتایج روایی همگرا با پرسشنامه الکسی تایمیا نیز 0.63 گزارش شده است. این پرسشنامه در ایران توسط فتح و همکاران (۱۳۹۲) بررسی شده است و پایا بیان آن به روش آلفای کرونباخ 0.82 به دست آمد و روایی همگرا با آزمون آلمانی تایمیا با ضریب 0.69 مثبت و معنادار بود. در پژوهش حاضر ضریب پایا بیان آلفای کرونباخ 0.84 بدست آمد. مقیاس دلستگی بزرگسالان^۱ (RAAS): مقیاس سبک دلستگی کولینز^۲ (۱۹۹۶) براساس نظریه دلستگی هازان و شاور ساخت شده است. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ ماده کاهش پیدا کرد و دارای سه خرده مقیاس سبک اجتنابی، سبک دلستگی ایمن و سبک دلستگی اضطرابی با ۶ ماده برای هر یک تشکیل شده است که نمرات آن از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) از "به هیچ وجه با خصوصیات من تطبیق ندارد" تا "کاملاً با خصوصیات من تطبیق دارد" سنجیده می‌شود. بالاترین نمره در هر یک از سبک‌های اجتنابی، ایمن و اضطرابی 30 و در کل پرسشنامه 90 و پایین‌ترین نمره در هر یک از سبک‌های دلستگی 6 و در کل پرسشنامه 18 است. کولینز (۱۹۹۶) میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب 0.81 ، 0.87 و 0.85 گزارش نمودند. پایا بیان پرسشنامه با استفاده از تحلیل خوشه‌ای و روایی همزمان با معیار سبک دلستگی هازان و شاور (۱۹۸۷) عدد 0.61 به دست آمد و تأیید شد (کولینزو رید، ۱۹۹۰). در ایران روایی محتوایی مقیاس با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های 15 نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کنдал برای سبک‌های دلستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب 0.80 ، 0.61 و 0.57 به دست آمد (بشارت، ۱۳۰۱۳). در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان پایا بیان آزمون با استفاده از بازآزمایی به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح 0.95 دارای پایا بیان است و این پرسشنامه دارای روایی محتوایی مناسب است. ضریب پایا بیان بازآزمایی مقیاس دلستگی برای یک نمونه 25 نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته 0.89 محاسبه شد (پاکدامن، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر ضریب پایا بیان آلفای کرونباخ برای سبک‌های اجتنابی، ایمن و اضطرابی به ترتیب 0.83 ، 0.82 و 0.75 به دست آمد.

پرسشنامه ذهنی سازی^۳ (MQ): پرسشنامه ذهنی سازی توسط فوناگی و همکاران (۱۹۹۸) در قالب دو فرم 46 سوالی و 26 سوالی ساخته شده است که فرم 26 سوالی آن در ایران توسط دروگر و همکاران (۱۳۹۹) هنجاریابی شده است که 12 سوال آن به دلیل ضریب همسانی دورنی پایین از نسخه فارسی حذف و 14 سوال آن حفظ شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت 5 درجه‌ای از کاملاً غلط (0) تا کاملاً درست (4) صورت می‌گیرد. در نسخه 14 سوالی فارسی گویه‌های 1 تا 9 عامل اطمینان و گویه‌های 10 تا 14 عامل عدم اطمینان را می‌سنجند. ضریب همسانی درونی برای عامل اطمینان و عدم اطمینان به ترتیب 0.63 و 0.67 و برای مؤلفه اطمینان، 0.85 و برای مؤلفه عدم اطمینان، 0.74 . گزارش شده است (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۶). دروغ و همکاران (۱۳۹۹) آلفای کرونباخ برای عامل اطمینان 0.88 و برای عامل عدم اطمینان 0.66 گزارش داده‌اند. همچنین این نویسنده‌گان نشان دادند که هر دو عامل پرسشنامه روایی همگرا معناداری با ضریب همبستگی 0.70 تا 0.77 با پرسشنامه‌های اضطراب-افسردگی و دلستگی دارند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اطمینان و عدم اطمینان به ترتیب 0.83 تا 0.88 به دست آمد.

یافته‌ها

در این مطالعه که شامل زوجین مراجعت‌کننده به کلینیک‌های مشاوره طلاق شهر کرمان بود 270 شرکت کننده با دامنه سنی 21 تا 48 سال با میانگین سنی $28/32$ و انحراف استاندارد $7/49$ شرکت کردند که شامل 174 زن (زن 64 درصد) و 96 مرد (36 درصد) بودند. از این بین 35 (درصد) آزمودنی تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، 151 نفر (۵۶ درصد) تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و 84 نفر (۳۱ درصد) فوق لیسانس یا بالاتر بودند. در جدول ۱ ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱	۱	۱
						- 0.19^*	- 0.24^{**}	- 0.24^{**}
					1			
				1				

۱- سبک دلستگی ایمن
۲- سبک دلستگی اجتنابی
۳- سبک دلستگی اضطرابی

1 revised adult attachment scale

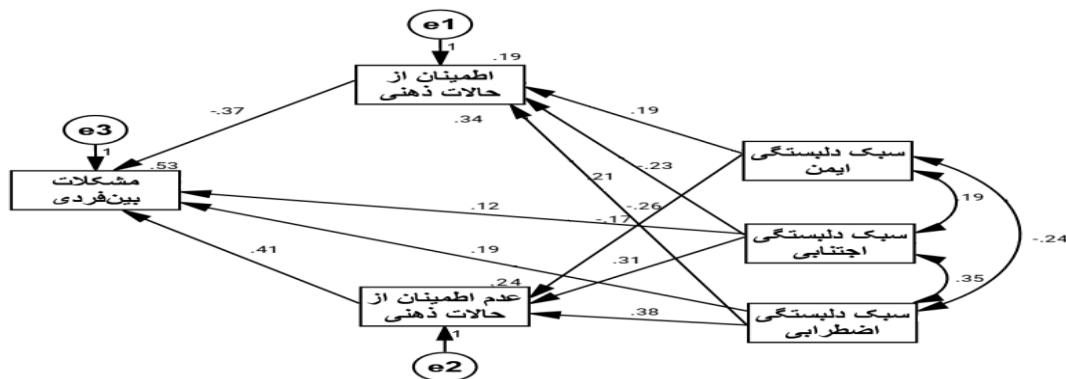
2 Collins

3 mentalization questionnaire

		۱	-۰/۴۴**	-۰/۳۵**	۰/۲۸**	۴- اطمینان از حالات ذهنی
	۱	-۰/۶۳**	۰/۴۹**	۰/۳۹**	-۰/۳۱**	۵- عدم اطمینان از حالات ذهنی
۱	۰/۶۲**	-۰/۵۲**	۰/۳۳**	۰/۲۷**	-۰/۳۱**	۶- مشکلات بین فردی
۶۵/۵۶	۲۹/۳۱	۱۱/۴۵	۱۰/۵۸	۱۵/۲۵	۱۲/۹۴	میانگین
۱۸/۱۰	۵/۹۷	۲/۷۵	۴/۵۳	۳/۱۱	۴/۳۴	انحراف معیار
-۰/۵۲	-۰/۴۰	-۰/۶۵	-۰/۷۳	-۰/۸۷	-۰/۳۹	کجی
-۰/۹۲	۰/۷۲	۰/۴۳	۰/۰۴	-۰/۱۶	-۰/۲۹	کشیدگی

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین سبک دلبرستگی ایمن ($t = -0.31$, $p < 0.01$) و اطمینان از حالات ذهنی ($t = -0.52$, $p < 0.01$) با مشکلات بین فردی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبرستگی اجتنابی ($t = 0.27$, $p < 0.01$)، اضطرابی ($t = 0.33$, $p < 0.01$) و عدم اطمینان از حالات ذهنی ($t = 0.62$, $p < 0.01$) با مشکلات بین فردی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش همراه با کجی و چولگی بررسی شده است. پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه‌های نرمال بودن و عدم همخطی بررسی شد که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روش رایج برای ارزیابی نرمال بودن است. چو و بنتلر^۱ (۱۹۹۵) نقطه برش $3 \pm$ را برای مقدار چولگی مناسب می‌دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از $10 \pm$ در مدلیابی معادلات ساختاری مسئله آفرین است (کلاین، ۲۰۲۳). مقادیر بدست آمده برای چولگی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش فرض نرمال بودن در متغیرهای پژوهش دارد. برای بررسی مفروضه عدم هم خطی از آماره‌های عامل تورم واریانس (VIF) و شاخص تحمل استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از $4/۰$ و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از 10 نیست، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم همخطی نیز اطمینان حاصل کرد. به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری ذهنی سازی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاح شده سبک‌های دلبرستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

در شکل ۱ مدل اصلاح شده پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند اصلاح و حذف شدند ($p < 0.001$) و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با مشکلات بین فردی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورده شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
سبک دلبرستگی ایمن	اطمینان از حالات ذهنی	.۰/۱۹	.۰/۰۲۴	۳/۷۸	۰/۰۰۱
سبک دلبرستگی ایمن	عدم اطمینان از حالات ذهنی	-.۰/۱۷	.۰/۰۲۰	-.۳/۴۱	۰/۰۰۸
سبک دلبرستگی اجتنابی	مشکلات بین فردی	.۰/۱۲	.۰/۰۱۷	.۲/۱۱	۰/۰۳۱
سبک دلبرستگی اجتنابی	اطمینان از حالات ذهنی	-.۰/۲۳	.۰/۰۲۹	-.۴/۴۸	۰/۰۰۱
سبک دلبرستگی اجتنابی	عدم اطمینان از حالات ذهنی	.۰/۳۱	.۰/۰۴۷	.۶/۲۱	۰/۰۰۱
سبک دلبرستگی اضطرابی	مشکلات بین فردی	.۰/۱۹	.۰/۰۱۸	.۳/۴۶	۰/۰۰۱

مدل ساختاری سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

The structural model of attachment styles and interpersonal problems of divorcing Couples with the mediating role of mentalization

۰/۰۰۱	-۴/۵۷	۰/۰۳۸	-۰/۲۶	اطمینان از حالات ذهنی	سبک دلبستگی اضطرابی
۰/۰۰۱	۷/۲۲	۰/۰۵۹	۰/۳۸	عدم اطمینان از حالات ذهنی	سبک دلبستگی اضطرابی
۰/۰۰۱	-۶/۸۹	۰/۰۴۳	-۰/۳۷	مشکلات بین فردی	اطمینان از حالات ذهنی
۰/۰۰۱	۷/۹۳	۰/۰۵۶	۰/۴۱	مشکلات بین فردی	عدم اطمینان از حالات ذهنی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر $\pm 1/۹۶$ است تأثیر معنی‌داری ($p < 0.001$) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورده شده با بوت استراتپ

	سطح معناداری	حد بالا	حد پایین	Bootstrap	مسیر
۰/۰۰۱	-۰/۰۱	-۰/۲۲	-۰/۰۷	دلبستگی ایمن ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی ایمن ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۰۷	دلبستگی ایمن ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی ایمن ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	-۰/۰۳	-۰/۱۵	-۰/۰۹	دلبستگی اجتنابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی اجتنابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۰۴	۰/۱۳	دلبستگی اجتنابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی اجتنابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	-۰/۰۲	-۰/۲۵	-۰/۱۰	دلبستگی اضطرابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی اضطرابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	۰/۴۷	۰/۱۵	۰/۱۶	دلبستگی اضطرابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	دلبستگی اضطرابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که اثر غیرمستقیم متغیرهای سبک‌های دلبستگی از طریق ذهنی سازی معنی‌دار است. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

مدل نهایی	دامنه قابل پذیرش	شاخص برازندگی
۱/۱۰	کمتر از ۵	نسبت خی دو به درجه آزادی
۰/۹۹	بزرگتر از ۰/۹۰	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۹۹	بزرگتر از ۰/۹۰	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۹۸	بزرگتر از ۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۰۲	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
۰/۰۳	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR)

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۳ سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی سازی توانستند مشکلات بین فردی را در زوجین پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج سیمونسن و همکاران (۲۰۲۲)، لو و همکاران (۲۰۲۱)، گوکداغ (۲۰۲۱) و فوناگی و کمپل (۲۰۱۶) همسو بود. سبک دلبستگی ایمن به عنوان یک الگوی روانشناسی مثبت، تأثیر مستقیمی بر توانایی افراد در مدیریت ارتباطات بین فردی دارد. در این راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی با سبک دلبستگی ایمن معمولاً دارای مهارت‌های بالاتری در ذهنی‌سازی هستند (فوناگی و کمپل، ۲۰۱۶)، یعنی آن‌ها قادرند احساسات، نیازها و افکار خود و دیگران را بهتر درک کنند. این توانایی ذهنی‌سازی، به زوجین کمک می‌کند تا در موقع تنش و تعارض، به شیوه‌ای همدانه و سازنده واکنش نشان دهند و از بروز مشکلات بین فردی جلوگیری کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن از طریق تقویت مهارت‌های ذهنی‌سازی، به شکل غیر مستقیم به کاهش مشکلات بین فردی در روابط زناشویی منجر می‌شود (سیمونسن و همکاران، ۲۰۲۲). این ارتباط نشان‌دهنده اهمیت درک دلبستگی در فرآیندهای ارتباطی و حل تعارض بین زوجین است. علاوه بر این، افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، توانایی بیشتری در ابراز احساسات و نیازهای خود دارند. این ویژگی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی ذهنی سازی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق انجام شد. یافته این پژوهش حاکی از آن بود که سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی سازی توانستند مشکلات بین فردی را در زوجین پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج سیمونسن و همکاران (۲۰۲۲)، لو و همکاران (۲۰۲۱)، گوکداغ (۲۰۲۱) و فوناگی و کمپل (۲۰۱۶) همسو بود. سبک دلبستگی ایمن به عنوان یک الگوی روانشناسی مثبت، تأثیر مستقیمی بر توانایی افراد در مدیریت ارتباطات بین فردی دارد. در این راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی با سبک دلبستگی ایمن معمولاً دارای مهارت‌های بالاتری در ذهنی‌سازی هستند (فوناگی و کمپل، ۲۰۱۶)، یعنی آن‌ها قادرند احساسات، نیازها و افکار خود و دیگران را بهتر درک کنند. این توانایی ذهنی‌سازی، به زوجین کمک می‌کند تا در موقع تنش و تعارض، به شیوه‌ای همدانه و سازنده واکنش نشان دهند و از بروز مشکلات بین فردی جلوگیری کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن از طریق تقویت مهارت‌های ذهنی‌سازی، به شکل غیر مستقیم به کاهش مشکلات بین فردی در روابط زناشویی منجر می‌شود (سیمونسن و همکاران، ۲۰۲۲). این ارتباط نشان‌دهنده اهمیت درک دلبستگی در فرآیندهای ارتباطی و حل تعارض بین زوجین است. علاوه بر این، افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، توانایی بیشتری در ابراز احساسات و نیازهای خود دارند. این ویژگی

به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با نالمیدی‌ها و چالش‌های موجود در روابط، بدون ترس از رها شدن یا قضاوت شدن اقدام کنند. این افراد همچنین تمایل بیشتری به شنیدن و درک نقطه نظرهای شریک خود دارند که این امر موجب تقویت ارتباط و کاهش سوءتفاهمنما می‌شود. به عبارتی دیگر، ذهنی‌سازی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در شرایط بحرانی، وضعیت عاطفی یکدیگر را درک کرده و به صورت مؤثرتری بر روی راه حل‌ها تمرکز کنند (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۷).

از دیگر سو سبک دلبستگی نایمین اجتنابی به عنوان یک الگوی ارتباطی منفی، معمولاً با اضطراب و ترس از وابستگی همراه است که می‌تواند تأثیر منفی بر رابطه‌های بین فردی به ویژه در زوجین داشته باشد (سان و میلر، ۲۰۲۳). افراد با این سبک دلبستگی، معمولاً تمایل دارند که احساسات و نیازهای عاطفی خود را سرکوب کنند و از دیگران فاصله بگیرند؛ بنابراین، آن‌ها به سختی می‌توانند درک بهتری از نیازها و احساسات، شریک زندگی خود داشته باشند (سکروبینسکا و همکاران، ۲۰۲۴). این عدم توانایی در ذهنی‌سازی، به دلیل ناتوانی در پردازش و بیان احساسات، منجر به سوءتفاهمنها و تعارضات در رابطه خواهد شد. از آنجا که این افراد معمولاً به جای نزدیک شدن به شریک خود، به اجتناب از عواطف و تعاملات عمیق روحی می‌آورند، این رفتار می‌تواند به تعضیف ارتباط عاطفی و در نهایت بروز مشکلات بین فردی منجر گردد؛ بنابراین، سبک دلبستگی نایمین اجتنابی، از طریق کاهش توانایی ذهنی‌سازی و قصور در برقراری ارتباط مؤثر، به طور غیر مستقیم قادر است مشکلات بین فردی در روابط زناشویی را پیش‌بینی کند و کیفیت رابطه را به خطر اندازد. همچنین سبک دلبستگی نایمین اضطرابی، به عنوان یک الگوی دلبستگی که با احساس نامنی و اضطراب در روابط عاطفی همراه است، می‌تواند تأثیرات معنی‌داری بر کیفیت ارتباطات بین فردی در زوجین داشته باشد (سولیوان و همکاران، ۲۰۲۰). افرادی که دارای این سبک دلبستگی هستند، معمولاً درگیر احساسات شدید و ناپایدار نسبت به شریک زندگی خود می‌شوند و ممکن است به شدت به تأیید و حمایت عاطفی نیاز پیدا کنند. این نیاز مداوم به تأیید و خروج از حالت تنها، آن‌ها را به سمت رفتارهای وابسته و دوگانه سوق می‌دهد که می‌تواند ارتباط را متشنج کند. همچنین، این افراد ممکن است در ذهنی‌سازی ضعیف عمل کنند؛ به این معنا که توانایی آن‌ها برای درک و پردازش احساسات و نیازهای خود و شریکشان محدود است (سیمونسن و همکاران، ۲۰۲۲). این ناتوانی در ذهنی‌سازی می‌تواند به سوءتفاهمنامه، ایجاد تعارض و تنشی‌های بین فردی منجر شود و در نتیجه مشکلات بیشتری را در رابطه ایجاد کند. به این ترتیب، سبک دلبستگی نایمین اضطرابی از طریق تأثیر بر نحوه تعامل و درک عاطفی زوجین، به صورت غیر مستقیم به پیش‌بینی مشکلات بین فردی در روابط زناشویی کمک می‌کند. این نوع دلبستگی می‌تواند منجر به الگوهای ارتباطی مانند شک و تردید، انتظارات غیرواقعی و نیازهای عاطفی غیرمنطقی شود که تمامی این موارد بر روابط عاطفی تأثیر منفی می‌گذارد. به علاوه، ارتباط ناپایدار و عدم اطمینان به پیامها و نشانهای عاطفی طرف مقابل، می‌تواند فضای منفی و تنش آوری را ایجاد کند که باعث می‌شود زوجین به جای حل مشکلات به درگیری و فاصله‌گذاری بپردازند. این چرخه منفی می‌تواند به مرور زمان مشکلات عمدتی را به وجود آورد و روابط را به سمت بحران سوق دهد (فوناگی و لیتون، ۲۰۱۸).

در نتیجه، سبک دلبستگی ایمین می‌تواند به صورت موثری به پیشگیری از بروز تعارضات و از بین بردن مشکلات بین فردی منجر گردد و کیفیت رابطه را ارتقا دهد و سبک دلبستگی نایمین به صورت عکس عمل کرده و باعث کاهش کیفیت روابط بین فردی خواهد شد؛ بنابراین، درک این که چگونه سبک‌های دلبستگی بر عملکرد ذهنی‌سازی و در نتیجه بر کیفیت ارتباطات بین فردی تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به شناسایی و بهبود روش‌های برقراری ارتباط در روابط زناشویی کمک کند و به زوجین این امکان را دهد که با درک بهتر از احساسات و نیازهای یکدیگر، رابطه‌ای پایدارتر و سالم‌تر بسازند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تunی از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند مشکلات بین فردی را بیشتر مشخص کنند، توجه شود.

منابع

- پاداش، ز؛ یوسفی، ز؛ عابدی، م؛ و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*, ۱۰، ۱۵۴-۱۰.
- <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23222840.1399.10.0.133.2>
- پروایی، ش؛ مام شریفی، پ؛ و شهامت ده سرخ، فاطمه. (۱۴۰۲). مدل خود خاموشی و گرایش به طلاق با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در زنان متأهل. *رویش روان‌شناسی*, ۱۲، ۱۷۸-۱۶۹.
- <http://frooyesh.ir/article-1-4750-fa.html>
- دروگر، ا؛ فتحی آشتیانی، ع؛ و اشرفی، ع. (۱۳۹۹). اعتباریابی و پایایی سنجی نسخه فارسی پرسشنامه ذهنی‌سازی. *روان‌شناسی پالینی*, ۱۱، ۱-۱۲.
- <https://doi.org/10.22075/jcp.2020.18897.1745>

مدل ساختاری سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

The structural model of attachment styles and interpersonal problems of divorcing Couples with the mediating role of mentalization

فتح، ن؛ آزاد فلاح، پ؛ رسول زاده طباطبایی، ک؛ و رحیمی، ج. (۱۳۹۲). روایی و اعتبار پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32). روان‌شناسی بالینی، <https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2137> (۳)، ۶۹-۸۰.

- Barkham, M., Hardy, G. E., & Startup, M. (1996). The IIP-32: a short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *The British journal of clinical psychology*, 35(1), 21-35. <https://doi.org/10.1111/j.2044-8260.1996.tb01159.x>
- Bateman, A., Fonagy, P., Campbell, C., Luyten, P., & Debbané, M. (2023). *Cambridge guide to mentalization-based treatment (MBT)*. Cambridge University Press.
- Chou, C. P., & Bentler, P. M. (2002). Model modification in structural equation modeling by imposing constraints. *Computational statistics & data analysis*, 41(2), 271-287. <https://ssrn.com/abstract=3133739>
- Collins, N. L. (1996). Revised adult attachment scale. *Behavior therapy*. <http://dx.doi.org/10.15448/1980-8623.2019.2.29567>
- Farrell, J., & Markman, H. J. (2021). Individual and interpersonal factors in the etiology of marital distress: The example of remarital couples. In *The emerging field of personal relationships* (pp. 251-263). Routledge.
- Fonagy, P., Target, M., Steele, H., & Steele, M. (1998). Reflective-functioning manual, version 5.0, for application to adult attachment interviews. London: University College London, 10(4), 1-47. <https://doi.org/10.1016/j.jagp.1998.01.098>
- Fonagy, P., & Campbell, C. (2016). Attachment theory and mentalization. In *The Routledge handbook of psychoanalysis in the social sciences and humanities* (pp. 115-131). Routledge.
- Fonagy, P., & Luyten, P. (2018). Attachment, mentalizing, and the self. In W.J. Livesley & R. Larstone (Eds.), *Handbook of personality disorders: Theory, research, and treatment* (pp. 123-140). Guilford Press.
- Fonagy, P., Luyten, P., Allison, E., & Campbell, C. (2017). What we have changed our minds about: Part 2. Borderline personality disorder, epistemic trust and the developmental significance of social communication. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, 4, 9. <https://doi.org/10.1186/s40479-017-0062-8>
- Gökdağ, C. (2021). How does interpersonal emotion regulation explain psychological distress? The roles of attachment style and social support. *Personality and Individual Differences*, 176, 110763. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2021.110763>
- Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., & Murray, C. V. (2020). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical psychology & psychotherapy*, 27(3), 408-447. <https://doi.org/10.1002/cpp.2439>
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Koelen, J. A., Eurelings-Bontekoe, L. H., & Kempke, S. (2021). Cognitive alexithymia mediates the association between avoidant attachment and interpersonal problems in patients with somatoform disorder. In *Mental Health and Psychopathology* (pp. 161-178). Routledge.
- Koppelberg, P., Kersting, A., & Suslow, T. (2023). Alexithymia and interpersonal problems in healthy young individuals. *BMC psychiatry*, 23(1), 688. <https://doi.org/10.1186/s12888-023-05191-z>
- Law, R., Ravitz, P., Pain, C., & Fonagy, P. (2022). Interpersonal Psychotherapy and Mentalizing-Synergies in Clinical Practice. *American journal of psychotherapy*, 75(1), 44-50. <https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.20210024>
- Lüdemann, J., Rabung, S., & Andreas, S. (2021). Systematic Review on Mentalization as Key Factor in Psychotherapy. *International journal of environmental research and public health*, 18(17), 9161. <https://doi.org/10.3390/ijerph18179161>
- Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine* (1982), 352, 117005. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005>
- Simonsen, S., Popolo, R., Juul, S., Frandsen, F. W., Sørensen, P., & Dimaggio, G. (2022). Treating Avoidant Personality Disorder With Combined Individual Metacognitive Interpersonal Therapy and Group Mentalization-Based Treatment: A Pilot Study. *The Journal of nervous and mental disease*, 210(3), 163-171. <https://doi.org/10.1097/NMD.0000000000001432>
- Skrobinska, L., Newman-Taylor, K., & Carnelley, K. (2024). Secure attachment imagery facilitates help-seeking and help-acceptance in psychosis. *Psychology and psychotherapy*, 97(3), 549-561. <https://doi.org/10.1111/papt.12530>
- Sullivan, J. M., Lawson, D. M., & Akay-Sullivan, S. (2020). Insecure Attachment and Therapeutic Bond as Mediators of Social, Relational, and Social Distress and Interpersonal Problems in Adult Females with Childhood Sexual Abuse History. *Journal of child sexual abuse*, 29(6), 659-676. <https://doi.org/10.1080/10538712.2020.1751368>
- Sun, J., & Miller, C. H. (2023). Insecure attachment styles and phubbing: The mediating role of problematic smartphone use. *Human Behavior and Emerging Technologies*, 2023(1), 4331787. <https://doi.org/10.1155/2023/4331787>
- Tanzilli, A., Di Giuseppe, M., Giovanardi, G., Boldrini, T., Caviglia, G., Conversano, C., & Lingiardi, V. (2021). Mentalization, attachment, and defense mechanisms: A Psychodynamic Diagnostic Manual-2-oriented empirical investigation. *Research in psychotherapy (Milano)*, 24(1), 531. <https://doi.org/10.4081/rippo.2021.531>
- Wagner-Skacel, J., Riedl, D., Kampling, H., & Lampe, A. (2022). Mentalization and dissociation after adverse childhood experiences. *Scientific reports*, 12(1), 6809. <https://doi.org/10.1038/s41598-022-10787-8>
- Wanberg, C. R., Csillag, B., & Duffy, M. K. (2023). After the break-up: How divorcing affects individuals at work. *Personnel Psychology*, 76(1), 77-112. <https://doi.org/10.1111/peps.12547>
- Wolchik, S. A., Sandler, I. N., & Israelashvili, M. (2023). *Adjustment to divorce*. In Prevention of maladjustment to life course transitions (pp. 221-244). Cham: Springer International Publishing.